

بررسی چالش‌های مشروعیت تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل متحد در حقوق بین‌الملل

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 – 1477

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN
GOOGLESCHOLAR.ENSANI
www.jaml.ir

سال ۱۴۰۴، سال ششم، شماره ۲۲،
صفحات ۱۸-۱

کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد، تبریز - ایران

مهوش فریدی

پژوهشگر دکتری حقوق جزا و کیفرشناسی، وکیل پایه یک دادگستری، مدرس دانشگاه آزاد و پیام نور

فرهاد شجاع

کرج- ایران

چکیده

دستیابی به صلح پایدار و ایجاد مکانیزم‌های مؤثر برای آن، از مسائل اساسی حقوق بین‌الملل است که به ویژه پس از تشکیل سازمان ملل متحد و شورای امنیت به شدت مورد توجه قرار گرفته است. شورای امنیت به عنوان نهاد اصلی مسئول حفظ و توسعه صلح و امنیت بین‌المللی، نیازمند مشروعیت در تصمیمات خود است. با این حال، برخی عوامل مانند حق وتو و سلطه اعضای دائمی شورای امنیت بر تصمیمات آن، موجب کاهش مشروعیت این نهاد شده‌اند. این مسأله باعث شده است که برخی تصمیمات شورای امنیت، به ویژه در شرایط بحران‌های جهانی، با انتقادات جدی مواجه شوند. یکی از راه‌های تقویت مشروعیت شورای امنیت، حذف حق وتو ناعادلانه و تقسیم عادلانه‌تر تأثیرگذاری میان کشورهای عضو، به ویژه اعضای غیر دائم، است. تحقیق حاضر به روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی چالش‌های مشروعیت تصمیمات شورای امنیت و تأثیر عوامل مختلف بر آن پرداخته و پیشنهادهایی برای بهبود این مشروعیت در راستای دستیابی به صلح و امنیت پایدار بین‌المللی ارائه می‌دهد.

مشروعیت، تصمیمات، شورای امنیت ملل متحد، حقوق بین‌الملل

واژگان کلیدی:

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم‌شناسی - حقوق بین‌الملل - حقوق خصوصی

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year 2025, Sixth year, Issue 22

Pages 1-18

Examining the challenges to the legitimacy of United Nations Security Council decisions in international law

Mahvash Faridi

Master of International Law, Azad University, Tabriz - Iran

Farhad Shoja

PhD researcher in criminal law and criminology, lawyer at a court of justice, lecturer at Azad
University and Payam Noor University of Karaj - Iran

Abstract

Achieving sustainable peace and establishing effective mechanisms for it are fundamental issues of international law that have received intense attention, especially after the formation of the United Nations and the Security Council. The Security Council, as the main institution responsible for maintaining and developing international peace and security, requires legitimacy in its decisions. However, some factors, such as the veto right and the dominance of the permanent members of the Security Council over its decisions, have reduced the legitimacy of this institution. This has led to some decisions of the Security Council, especially in times of global crises, facing serious criticism. One way to strengthen the legitimacy of the Security Council is to eliminate the unfair veto right and more equitably distribute influence among member states, especially non-permanent members. The present study, using a descriptive-analytical method, examines the challenges to the legitimacy of Security Council decisions and the impact of various factors on them, and offers suggestions for improving this legitimacy in order to achieve sustainable international peace and security.

Keywords: Legitimacy, decisions, United Nations Security Council, international law

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

۱- بیان مسئله

شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان نهاد اصلی مسئول حفظ صلح و امنیت بین المللی، در نظام حقوقی بین المللی از جایگاه و اهمیتی ویژه برخوردار است. طبق ماده ۲۶ منشور ملل متحد، شورای امنیت مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی را بر عهده دارد و به منظور رسیدن به این هدف، اختیارات گسترده ای دارد. این اختیارات، شامل امکان اتخاذ تصمیمات الزام آور و مداخله در بحران ها و جنگ ها برای برقراری صلح است. با این حال، تصمیمات شورای امنیت همواره با چالش هایی جدی از منظر مشروعیت مواجه است که بر اثر آن، کارایی این نهاد در ایفای وظایفش تحت تأثیر قرار می گیرد.

مهم ترین چالش های مشروعیت شورای امنیت به نابرابری های ساختاری آن و به ویژه حق وتو مربوط می شود. پنج کشور دائم شورای امنیت (آمریکا، روسیه، چین، فرانسه و بریتانیا) که از حق وتو برخوردار هستند، قادرند هر تصمیمی را که مخالف منافع ملی آن ها باشد، مسدود کنند. این اختیارات ویژه باعث می شود که بسیاری از تصمیمات شورای امنیت، به ویژه در موارد بحران های بین المللی، تحت تأثیر منافع خاص قدرت های بزرگ قرار گیرد و مشروعیت این نهاد در نظر کشورهای دیگر زیر سوال برود. این وضعیت نه تنها به تضعیف اعتماد کشورهای عضو به تصمیمات شورا منجر می شود بلکه باعث کاهش کارآمدی آن در برقراری صلح و امنیت جهانی نیز می شود.

علاوه بر حق وتو، تسلط کشورهای دائم بر روند تصمیم گیری در شورای امنیت و همچنین تأثیرات سیاسی و منافع ملی این کشورها، موجب ایجاد عدم تعادل در تأثیرگذاری کشورهای دیگر و به ویژه اعضای غیر دائم شورا بر تصمیمات می شود. در نتیجه، بسیاری از کشورهای عضو سازمان ملل متحد ممکن است تصمیمات شورای امنیت را به عنوان اقدامات یک جانبه و با انگیزه های سیاسی قلمداد کنند که این امر مشروعیت و مقبولیت تصمیمات شورا را در عرصه جهانی کاهش می دهد. هدف این تحقیق تحلیل راه حل ها و

پیشنهاداتی برای تقویت مشروعیت تصمیمات شورای امنیت و بهبود کارایی آن در راستای حفظ صلح و امنیت بین المللی است.

۲- مرور ادبیات و سوابق مربوطه

پیشینه های پژوهشی نشان می دهند که شورای امنیت با چالش های مختلفی در زمینه مشروعیت و کارایی مواجه است. این چالش ها عمدتاً مربوط به حق وتو، عدم نظارت کافی بر تصمیمات شورا، تضاد منافع بین قدرت های بزرگ و مسائل حقوق بشری است. همچنین، نهادهای مختلف حقوقی و دولت ها نقشی مهم در ارزیابی و نقد عملکرد شورا دارند. از تحقیقات را که می تواند تاحدودی به طور اجمالی به موضوع ما نزدیک است، اشاره می کنیم:

- سعیده عبدالباقی (۱۳۹۵): در کتاب خود، به بررسی مشروعیت حقوقی تصمیم گیری های شورای امنیت در حوزه امنیت انسانی پرداخته است. وی تأکید دارد که شورا باید در تصمیمات خود با ملاحظات حقوقی و انسانی بیشتر وارد عمل شود و چالش هایی که در راستای تحقق امنیت انسانی با آن مواجه است را تحلیل کرده است.

- سید امرالدین حجازی و همکاران (۱۳۹۹): در مقاله ای درباره تأثیر شورای امنیت بر ایجاد امنیت و عدالت کیفری بین المللی، به مشکلاتی چون تروریسم و نقض حقوق بشر پرداخته اند. آنان معتقدند که شورا با استفاده از ابزارهایی مانند مسئولیت حمایت و ارجاع پرونده ها به دیوان کیفری بین المللی می تواند بر امنیت و عدالت جهانی تأثیر بگذارد، هرچند که در عمل این ابزارها با چالش هایی مواجه است.

- گودرز افتخارجهرمی و همکاران (۱۳۹۶): در مقاله ای به ارزیابی عملکرد شورای امنیت و نظارت بر آن پرداخته اند. آنان بر این باورند که شورا با محدودیت های ساختاری و قانونی مواجه است و باید تحت نظارت دقیق تری قرار گیرد. همچنین، بر نظارت قضایی و شبه قضایی بر تصمیمات شورا تأکید کرده اند.

- ملیحه بهفر و همکاران (۱۳۹۶): مقاله ای با عنوان "مشروعیت ارزیابی دولتها در اجرای قطعنامه های شورای امنیت" به چالش های قانونی و اجرایی در اجرای قطعنامه های

حاکم این امکان را می‌دهد تا حکمرانی خود را درست بداند و مردم نیز از آن تبعیت کنند. این مفهوم به پرسش‌هایی مانند این که چرا برخی افراد حق حکومت دارند و دیگران باید از آنها اطاعت کنند، و اینکه حاکم برای معتبر بودن حکمش چه ویژگی‌ها و صلاحیت‌هایی باید داشته باشد، پاسخ می‌دهد. در هر جامعه‌ای، براساس باورهای پذیرفته شده، فقط افرادی صلاحیت حکمرانی دارند و هر قانونی که وضع یا فرمانی که صادر می‌کنند، ناشی از حقی است که دارند و مردم نیز تبعیتشان را به دلیل اعتقاد به صلاحیت و شایستگی آنها می‌پذیرند (میرزائی نیگجه، ۱۳۷۳، ص ۱۵۶).

واژه‌ای که مفهوم مشروعیت را بهتر می‌توان از آن فهمید، «غصب» است. کسانی که به ناحق حکومت را غصب کرده‌اند، تلاش می‌کنند برای خود وجهه‌ای کسب کنند و با انتساب به خداوند و ارزش‌های دینی یا با به اطاعت کشاندن مردم، سعی دارند مشروعیت خود را توجیه کنند و حکمرانی‌شان را مشروع جلوه دهند. بنابراین، توجیه حاکم برای اعمال حاکمیت خود و توجیه مردم برای پذیرش آن، در نهایت به مفهوم مشروعیت مرتبط است (خسروی، ۱۳۸۰، ص ۲۵).

۴- مفهوم اصطلاحی مشروعیت

در دنیای معاصر، مشروعیت کشورهای مدعی دموکراسی عمدتاً از طریق رسانه‌های جمعی، مطبوعات و تکنولوژی‌های تبلیغاتی به دست می‌آید. این ابزارها قادرند افکار عمومی را به سمت‌های مختلف هدایت کرده و جهت‌گیری آنها را تعیین کنند. امروزه مشخص شده است که در این حکومت‌ها، که مشروعیت حکومت از اراده اکثریت مردم ناشی می‌شود، از روش‌های غیر اخلاقی و شیوه‌های دستکاری افکار عمومی به کار گرفته می‌شود تا خواسته‌های مردم به سمتی که صاحبان قدرت و ثروت می‌خواهند هدایت شود. به همین دلیل، در حکومت‌های طاغوتی، اصل حاکمیت همواره در طول تاریخ از طریق قدرت و زور اعمال شده است.

نتیجه‌گیری از این مسائل به شرح زیر است:

اول، مقبولیت نتیجه مشروعیت است.

شورای امنیت پرداخته است. در این مقاله، نحوه ارزیابی دولت‌ها و نقش آنها در اعمال تصمیمات شورا مورد بررسی قرار گرفته است.

- فردین قریشی (۱۳۷۴): در پایان‌نامه‌ای با موضوع «حاکمیت دولت‌ها و مشروعیت اقدامات شورای امنیت»، بررسی کرده است که در صورت تعارض بین حاکمیت دولت‌ها و اقدامات شورای امنیت، این تعارض به‌طور معمول مشکلی در مشروعیت اقدامات شورا ایجاد نمی‌کند. وی تأکید کرده که شورا به دلیل وظیفه حفظ صلح، از اختیارات فراوانی برخوردار است.

- رونالد توماس‌زاده (۱۳۷۵): در پایان‌نامه‌ای به تحلیل سیستماتیک رابطه ساختار و عملکرد شورای امنیت با مشروعیت و کارایی اقدامات آن پرداخته است. وی بر ایجاد سیستم تصمیم‌گیری بازتر و چندجانبه‌گراتر تأکید دارد تا شورا به‌طور مؤثرتر در راستای حفظ صلح عمل کند.

- ژاله امین‌راد (۱۳۹۳): در پایان‌نامه‌ای به مشروعیت مداخله بشردوستانه در لیبی پرداخته است. وی معتقد است که مداخله در لیبی به‌عنوان نمونه‌ای از دکتترین مسئولیت حمایت نتوانسته موفق عمل کند و در واقع به تغییر رژیم و بحران‌های بیشتر منجر شده است.

- ابراهیم ولی‌پور (۱۳۸۸): در پایان‌نامه‌ای به نقش شورای امنیت در مبارزه با تروریسم بین‌المللی پرداخته است. وی بررسی کرده که شورا با استفاده از ابزارهای حقوقی و امنیتی می‌تواند بر مبارزه جهانی با تروریسم اثرگذار باشد، به ویژه پس از ۱۱ سپتامبر.

۳- تعریف مشروعیت در لغت

مفهوم لغوی «مشروعیت» به معنای «قانونی بودن» و «مطابق با قانون» است و ریشه آن از واژه «شرع» گرفته شده و با کلماتی مانند «شریعت» و «متشرعه» هم‌ریشه است. هرچند این واژه به‌طور اولیه به پیروان دین و شریعت مربوط می‌شود، اما به عنوان یک اصطلاح در فلسفه سیاست به کار می‌رود. مشروعیت به معنای «حقانیت» است و به‌طور خاص به توجیه عقلانی اعمال حکومتی از سوی حاکم اشاره دارد. در واقع، مشروعیت ویژگی‌ای در نظام حکومتی است که به

دوم، تعریف مشروعیت به مقبولیت می‌شود که حاکمیت دیکتاتورها، که با ارباب، تهدید و تبلیغات موفق به جلب اطاعت مردم می‌شوند، به عنوان مشروع تلقی گردد.

سوم، در کشورهای مدعی دموکراسی، مشروعیت نتیجه تبلیغات و امپریالیسم خبری است که به هدف مقبول نشان دادن نظام سلطه و صاحبان قدرت انجام می‌شود. در این جوامع، مشروعیت باید نتیجه فرآیندی تلقی شود که رسانه‌های جمعی برای ایجاد مقبولیت سیاسی پیگیری می‌کنند.

چهارم، اگر مشروعیت بر پایه مقبولیت استوار باشد، بدین معناست که اگر مردم حکومتی را نخواهند، آن حکومت نامشروع خواهد بود، حتی اگر در پی جلب منافع مردم باشد؛ و اگر مردم خواهان حکومتی باشند، آن حکومت مشروع تلقی می‌شود، حتی اگر برخلاف منافع واقعی جامعه عمل کند.

تعریف مشروعیت به «قانونی بودن» دقیق نیست؛ زیرا ممکن است قانونی از نظر مردم مشروعیت نداشته باشد، در حالی که بر اساس منافع واقعی آن‌ها تنظیم شده باشد، یا قانونی به ظاهر مشروع وجود داشته باشد که برخلاف منافع واقعی جامعه باشد. از آنجا که هر جامعه‌ای نیاز به قانون دارد، این تعریف ممکن است به این نتیجه منجر شود که تمامی حکومت‌هایی که با استفاده از قوه قهریه قدرت را به دست گرفته و قوانینی را وضع و اجرا می‌کنند، مشروع تلقی شوند، در حالی که مشروعیت چنین حکومت‌هایی نیاز به بررسی دارد.

در مورد ملاک‌ها و منابع مشروعیت، سه منبع اصلی می‌توان در نظر گرفت:

۱. ارزش‌های اخلاقی

۲. قرارداد اجتماعی

۳. مشروعیت الهی (منبع: خسروی، ۱۳۸۰، ص ۲۵).

۵- شورای امنیت ملل متحد^۱

شورای امنیت ملل متحد یکی از ارکان اصلی سازمان ملل است که مسئول حفظ امنیت و صلح بین‌المللی است. وظایف این شورا شامل اعزام نیروهای حافظ صلح، تصویب تحریم‌های بین‌المللی و اجازه استفاده از نیروی نظامی علیه کشورهای متخاصم می‌شود. تصمیمات این شورا به صورت قطعنامه اعلام می‌شود. شورای امنیت از پنج عضو دائم و ده عضو انتخابی تشکیل شده است، که اعضای دائم حق وتو دارند. ریاست شورا به صورت نوبتی و به ترتیب الفبای انگلیسی به کشورهای عضو واگذار می‌شود و مدت آن یک ماه است.

شورای امنیت اولین جلسه خود را در ۱۷ ژانویه ۱۹۴۶ در لندن برگزار کرد و از آن زمان به‌طور مستمر در حال فعالیت است. بیشتر جلسات شورا در مقر سازمان ملل در نیویورک برگزار می‌شود. تغییرات عمده در تعداد اعضای شورا شامل افزایش اعضای انتخابی از ۶ به ۱۰ کشور در سال ۱۹۶۵ و واگذاری کرسی جمهوری چین به جمهوری خلق چین در سال ۱۹۷۱ بوده است. همچنین پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱، فدراسیون روسیه جایگزین آن شد.

نقش رئیس شورای امنیت شامل تنظیم جلسات و رسیدگی به بحران‌ها است. اعضای شورا به دو دسته تقسیم می‌شوند: اعضای دائم و اعضای انتخابی. یک عضو شورا باید همیشه در مقر اصلی حضور داشته باشد تا شورا قادر به تشکیل جلسات فوری باشد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۶۳، ص ۲۴۵).

۶- وظایف سیاسی شورای امنیت ملل متحد

بر اساس بند ۱ ماده ۱ منشور ملل متحد، حفظ و استقرار صلح و امنیت بین‌المللی است که بر اصول عدالت و حقوق بین‌الملل تأکید دارد. این وظیفه به شورای امنیت تفویض شده است تا به سرعت و مؤثر امنیت بین‌المللی را

¹ - UN Security Council

قانونگذاری هستند. (ICI report. pp 57, 64)
(advisory opinion of may 1948)

در بعد شبه قضائی، شورای امنیت می‌تواند تصمیماتی بگیرد که جنبه قضائی دارند، مانند توصیه‌های مربوط به حل و فصل اختلافات بین‌المللی یا اعمال اقدامات قهری بر اساس فصل هفتم منشور. این تصمیمات حتی برای کشورهای غیرعضو سازمان ملل نیز الزام‌آور می‌شوند. در این راستا، شورای امنیت می‌تواند کشورها را به‌عنوان متجاوز بالقوه یا بالفعل شناسایی و محکوم کند و اقدامات قهری برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ کند، همان‌طور که در مواردی مانند حمله عراق به کویت مشاهده شد.

شورای امنیت همچنین به‌طور ضمنی اختیاراتی برای عمل دارد که هرچند در منشور به‌صراحت ذکر نشده‌اند، اما بر اساس نیازهای جهانی و اصول منشور مشروعیت دارند. این اختیارات باید با رعایت اهداف و اصول سازمان ملل متحد باشد تا از بروز پیامدهای منفی برای نظام بین‌المللی جلوگیری شود. ارزیابی اقدامات شورای امنیت باید با توجه به جنبه‌های سیاسی و حقوقی آن انجام گیرد تا تحلیل دقیق‌تری از نقش شورا در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به‌دست آید. تصمیمات شورای امنیت طبق فصل ششم نیز می‌تواند جنبه قضائی و الزامی داشته باشند. (فلسفی، ۱۳۶۹، ص ۴۰)

با عنایت به مباحث مطروحه از آنجایی که وظایف و اختیارات شورای امنیت دارای ساختاری سیاسی و حقوقی می‌باشد می‌باید در نظر داشت هرگونه ارزیابی دقیق و تجزیه و تحلیل متعادل اقدامات شورا تنها با درک این واقعیت دو بعدی می‌تواند از معنی و مفهوم جامعی برخوردار باشد.

۸- مسئولیت‌های مشروع شورای امنیت براساس مقررات منشور ملل متحد

وظایف عمده ای که شورای امنیت مطابق منشور ملل متحد عهده دار آنها بوده و مورد بررسی پژوهش حاضر نیز می‌باشد در فصل ششم و هفتم منشور منعکس شده‌اند.

۸-۱- حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات

تأمین کند. امنیت بین‌المللی مفهوم دقیقی ندارد و شامل تهدیدات نظامی، سیاسی یا حتی اقتصادی است. بنابراین، این امنیت ماهیتی سیاسی دارد و شورای امنیت باید علاوه بر جنبه‌های سیاسی، ابعاد حقوقی را نیز در اقدامات خود در نظر بگیرد.

ماده ۳۹ منشور ملل متحد بیان می‌کند که شورای امنیت مسئول شناسایی تهدیدات علیه صلح، نقض صلح یا تجاوز است و باید تصمیم‌گیری کند که برای حفظ یا اعاده صلح چه اقداماتی باید صورت گیرد. برخلاف جامعه ملل، در سازمان ملل تشخیص تهدیدات و واکنش‌ها به‌طور انحصاری در اختیار شورای امنیت است. این شورا وظیفه دارد از نقض صلح جلوگیری کرده و در صورت لزوم واکنش نشان دهد، بدون اینکه هدف آن تنبیه کشورهای متجاوز باشد. با این حال، مرزبندی دقیق بین اقدامات ممانعتی و تنبیهی اغلب مبهم است و این موضوع موجب تفسیرهای مختلفی از مفاهیم مرتبط با تهدیدات و تجاوز می‌شود.

در نهایت، اقدامات شورای امنیت جنبه‌های سیاسی و حقوقی دارد و سیاست بین‌الملل و حقوق بین‌الملل ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند (Barry Buzan, ۱۹۹۱, p. ۱-۳۴؛ کلییار، کلود آلبر، ۱۳۷۱، ص ۷۳۹؛ دویی، پی‌یر ماری، ۱۳۶۹، ص ۳۰۳).

۷- ماهیت حقوقی شورای امنیت

جنبه حقوقی اقدامات شورای امنیت سازمان ملل دارای دو بعد شبه قانونگذاری و شبه قضائی است. در بعد شبه قانونگذاری، شورای امنیت مقررات الزام‌آوری برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی وضع می‌کند که بر اساس ماده ۲۴ منشور ملل متحد و ماده ۳۹ منشور به‌طور قانونی به این شورا تفویض شده است. این مقررات به دلیل صلاحیت شورای امنیت می‌توانند تغییرات در مقررات موجود و وضع معیارهای جدید حقوقی ایجاد کنند که جنبه عمومی و الزام‌آوری دارند. به‌عنوان مثال، مجازات‌های اقتصادی مطابق با ماده ۴۱ منشور و قطعنامه‌های شورای امنیت نمونه‌ای از اقدامات شبه

مسئولیت‌های شورای امنیت در چارچوب منشور ملل متحد به صورت گسترده و با توجه به شرایط جهانی در دو بُعد مسالمت‌آمیز و قهری انجام می‌شود. (فلسفی، ۱۳۶۹، ص ۳۶-۳۷؛ آلبرد کلییار، ۱۳۷۱، ص ۲۱۴؛ جعفرنیاکی، ۱۳۵۴، صص ۲۰۱-۲۰۰).

۸-۲- توصیه شیوه‌های مناسب برای حل اختلافات

شورای امنیت در انتخاب و توصیه شیوه‌های مناسب برای حل اختلافات محدودیتی ندارد، به شرط آنکه روش‌هایی که طرفین اختلاف قبلاً برای تصفیه اختلافات پذیرفته‌اند، مد نظر قرار گیرد و اختلافات حقوقی با رضایت طرفین به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع گردد (بند ۲، ۳ ماده ۳۶). هنگامی که طرفین اختلاف شکایت‌های خود را در شورا مطرح کردند، شورا می‌تواند راه‌حلی جهت حل و فصل اختلاف به طرفین پیشنهاد دهد. این پیشنهاد در واقع توصیه‌نامه‌ای است و اگر طرفین نظر شورا را نپذیرند، شورا می‌تواند با استفاده از مقررات فصل هفتم، مسأله را مورد بررسی قرار دهد (فلسفی، ۱۳۶۹، ص ۳۶-۳۷).

ویژگی عمده اقدام شورا در فصل ششم، انعطاف‌پذیری زیاد روش‌های رسیدگی و مراجعه به ارگانیزم‌های فرعی برای رسیدگی به هر قضیه‌ای است که در هر مورد ایجاد می‌شود (آلبرد کلییار، ۱۳۷۱، ص ۲۱۴).

۸-۳- اقدام در موارد تهدید علیه صلح نقض صلح و عمل تجاوز در فصل هفتم منشور ملل متحد، که شامل ۱۳ ماده (مواد ۳۹-۵۱) است، اختیارات وسیعی برای شورای امنیت در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تعیین شده است. ماده ۳۹ به شورای امنیت اجازه می‌دهد تا تهدیدات علیه صلح، نقض صلح یا اعمال تجاوز را شناسایی کرده و اقداماتی را برای حفظ یا بازگرداندن صلح و امنیت بین‌المللی بر اساس مواد ۴۱ و ۴۲ اتخاذ کند.

ماده ۴۱ اقدامات غیرنظامی مانند قطع روابط اقتصادی، ارتباطات و سیاسی را شامل می‌شود، که این اقدامات به عنوان مجازات‌های اقتصادی یا سیاسی شناخته می‌شوند و تنها کشورهای عضو سازمان ملل موظف به اجرای آن‌ها هستند.

شورای امنیت سازمان ملل متحد براساس مقررات منشور ملل متحد مسئولیت‌های مختلفی دارد که در دو فصل ششم و هفتم منشور تعریف شده است.

۱. حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات (فصل ششم)

فصل ششم منشور ملل متحد به بررسی اختلافات بین‌المللی و ارائه راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز می‌پردازد. این فصل شامل شش ماده (۳۳-۳۸) است که به طرفین اختلاف پیشنهاد می‌دهد تا از روش‌های مختلف مانند مذاکره، میانجیگری، داوری، و بررسی قضائی اختلافات خود را حل کنند. شورای امنیت می‌تواند در این زمینه مداخله کرده و راه‌حلی برای حل اختلافات پیشنهاد دهد (ماده ۳۶). در صورتی که طرفین اختلاف توافق کنند، شورا می‌تواند از مراجع بین‌المللی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری استفاده کند.

۲. اقدام در موارد تهدید علیه صلح، نقض صلح و تجاوز (فصل هفتم)

فصل هفتم منشور اختیارات وسیعی به شورای امنیت می‌دهد تا در صورت تشخیص تهدید علیه صلح، نقض صلح، یا تجاوز، اقدامات لازم را اتخاذ کند. ماده ۳۹ منشور تصریح می‌کند که شورا باید تهدیدات را شناسایی کرده و تصمیمات مقتضی را برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ کند. این اقدامات ممکن است شامل مجازات‌های اقتصادی، سیاسی (ماده ۴۱)، یا نظامی (ماده ۴۲) باشند.

مجازات‌های اقتصادی: شورای امنیت می‌تواند قطع روابط اقتصادی یا سیاسی با کشور متخلف را اتخاذ کند.

اقدامات نظامی: شورای امنیت می‌تواند از نیروی نظامی برای حفظ یا بازگرداندن صلح و امنیت استفاده کند. این اقدامات می‌توانند شامل محاصره، عملیات نظامی یا استفاده از نیروهای مسلح باشند. نیروهای نظامی مورد نیاز از کشورهای عضو تأمین می‌شود، اگرچه توافقات برای تأمین نیروی مسلح تحت ماده ۴۳ منشور به دلیل شرایط جنگ سرد هرگز عملی نشده است.

حضور نماینده چین ملی در شورای امنیت، جلسات را ترک کرده بود و آمریکا در چارچوب سیاست «محاصره کمونیسم» عملیات را تحت پرچم سازمان ملل انجام داد (مقتدر، ۱۳۷۰، ص ۳۶۹-۳۷۰)

۸-۴-۲-۲- استفاده از مکانیسم نیروهای حافظ صلح و هیئتهای ناظر نظامی

این روش، نوآوری دیگری از سوی شورای امنیت در استفاده از نیروی نظامی است که در منشور ملل متحد پیش‌بینی نشده بود. منشور تنها به استفاده از نیروی نظامی طبق ماده ۴۲ و با شرایط مواد ۴۳ تا ۴۷ اشاره دارد، که طبق آن، باید عملیات قهری تحت فرماندهی کمیته ستاد نظامی متشکل از رؤسای ستاد کشورهای دائم شورای امنیت انجام می‌شد. با این حال، شکست شورای امنیت در استفاده از اختیارات اجرایی خود باعث ظهور نیروهای حفظ صلح و هیئتهای ناظر نظامی شد (شایگان، ۱۳۷۲، ص ۵۰).

در خصوص مبنای حقوقی تشکیل این نیروها، می‌توان به ماده ۲۹ منشور استناد کرد که به شورای امنیت اختیار تشکیل ارکان فرعی را برای انجام وظایف محول کرده است. از این نیروها به عنوان ارکان فرعی که به شورای امنیت کمک می‌کنند، یاد می‌شود (شایگان، ۱۳۷۲، ص ۴۲).

اولین عملیات حفظ صلح سازمان ملل تحت عنوان عملیات نظارت بر ترک مخاصمه ملل متحد (آنتسو) در سال ۱۹۴۸ پس از جنگ اعراب و اسرائیل تشکیل شد. این عملیات تبدیل به الگوی دیگر عملیات‌های حفظ صلح شد. پس از بحران کانال سوئز و اشغال آن توسط بریتانیا و فرانسه، مجمع عمومی سازمان ملل با هدایت داگ هامر شولت، دبیرکل وقت، نیروی اضطراری ملل متحد (یونف-۱) را ایجاد کرد. این نیروها اصولی را برای عملیات‌های بعدی حفظ صلح تعیین کردند (U.N., ۱۹۹۰, pp. ۱۵-۴۲).

شورای امنیت ملل متحد مسئول اصلی برای تجویز عملیات حفظ صلح است. هرچند در دو مورد استثنایی، مجمع عمومی اقدام به ایجاد عملیات حفظ صلح کرده است، ولی در عمل، شورای امنیت باید مسئولیت تجویز، هدایت، کنترل و

در مقابل، ماده ۴۲ اقداماتی نظامی را پیش‌بینی می‌کند که می‌تواند شامل عملیات محاصره یا هر عملیات نظامی دیگر باشد، و شورای امنیت مسئول فرماندهی عملیات انتظامی بین‌المللی است. (آلبرد کلیار، ۱۳۷۱، ص ۲۱۷-۲۱۶)

۸-۴-۱- ابتکار و نوآوری در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی

با توجه به واقعیات نظام دو قطبی و وقوع جنگ سرد، قطعنامه‌هایی در شورای امنیت ملل متحد صادر و اقداماتی بر اساس آن قطعنامه‌ها انجام گردید که با پیش‌بینی‌های منشور ملل متحد تفاوت داشت و به لحاظ همین تفاوت ولی عدم تناقض با آنها اقدامات مزبور را نوآوری نام نهاده ایم و این نوآوری‌ها را در دو مفهوم بشکل موضوعی انسجام بخشیده و به بررسی آنها می‌پردازیم.

۸-۴-۲-۱- صدور مجوز توسل به زور

در غیاب موافقتنامه‌های ماده ۴۳ منشور در خصوص واگذاری نیروی نظامی به شورای امنیت از سوی کشورهای عضو، این شورا مجوزی برای توسل به زور تحت پرچم سازمان ملل صادر کرد تا دولت‌های داوطلب برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اقدام کنند. با این حال، به دلیل شرایط جنگ سرد، این امکان به ندرت به اجرا درآمد و تنها در دو مورد شورای امنیت موفق به اعزام نیروهای مسلح برای استقرار صلح شد.

مورد اول بحران کره بود که در آن، به درخواست ایالات متحده، نیروی نظامی تحت پرچم سازمان ملل برای مقابله با تهاجم کره شمالی به کره جنوبی اعزام شد. شورای امنیت در ۲۵ ژوئن ۱۹۵۰ نقض صلح را احراز کرد و از کره شمالی خواست نیروهای خود را به پشت مدار ۳۸ درجه بازگرداند. (مقتدر، ۱۳۷۰، ص ۳۶۹-۳۷۰).

مورد دوم بحران کنگو بود که پس از استقلال این کشور، شورای امنیت نیروهای مسلح تحت پرچم سازمان ملل را به درخواست دولت جدید این کشور اعزام کرد (ثقفی عامری، ۱۳۷۰، ص ۱۷).

این اقدامات تنها در شرایط خاص امکان‌پذیر شدند؛ برای مثال، در بحران کره، نماینده شوروی به دلیل اعتراض به

نوآوری و یا نقض حقوق بین‌الملل را داراست. (بند ۷ ماده ۲ منشور)

۹-۱-۲- ابتکارات شورای امنیت

در فصل چهارم نوآوریهای شورای امنیت در احراز وظیفه حفظ صلح مورد بررسی قرار گرفت و موارد آن معین گردید از جمله این موارد ایجاد تحول در نقش نیروهای حافظ صلح ملل متحد در دوره بعد از جنگ سرد بود. این تحول از مواردی می باشد که در تعارض با صلاحیت داخلی است چراکه در دوره بعد از جنگ سرد نیروهای حافظ صلح ویژگیهای پیشین خود را از دست داده و نقش و خصوصیات آنها بطور کلی تابع اراده شورای امنیت گردیده است و با توجه به اینکه این نیروها گاهاً بدون رضایت طرفهای درگیر به منطقه بحران زده اعزام گردیده اند اعزام این نیروها با صلاحیت سرزمینی دولت ذیربط نسبت به اشخاص اموال و اموری که در قلمرو آن اتفاق میافتد در تعارض قرار دارد. (قطعنامه ۷۴۳ شورای امنیت)

۹-۱-۳- اعمال خلاف حقوق بین‌الملل شورای امنیت

مهمترین اقدامی که در این زمینه قابل طرح است نقض مقررات حقوق استرداد مجرمین توسط شورای امنیت می باشد شورای امنیت همانگونه که پیش از این گفته ایم در قبال قضیه، لاکربی مطابق قطعنامه شماره ۷۴۸ خواستار استرداد دو متهم لیبیایی به دولتین آمریکا و انگلیس گشته و از دولت لیبی عمل به این قطعنامه را درخواست می کند. حال اگر این قطعنامه را در مقابل صلاحیت شخصی دولت لیبی نسبت به اتباع خود قرار دهیم و اینکه هیچ دولتی علی القاعده ملزم به تسلیم تبعه خود به دولت دیگر به لحاظ جرمی که در خارج از کشور مرتکب شده است، نیست تعارض اقدام شورا و صلاحیت مزبور واضح بنظر میرسد. (U. N Security Council Resolution. 748 (1992). 31, Mar, 1992)

۹-۲- استقلال و اقدامات شورای امنیت

استقلال بعد بین‌المللی حاکمیت بوده و به مفهوم رهایی دولت مستقل از کنترل و حاکمیت سایرین است و تنها با تعهدات ارادی و حقوق بین‌الملل جهانی قابل کنترل و محدود

خاتمه عملیات حفظ صلح را به عهده داشته باشد تا از نظر حقوقی مطابق با منشور ملل متحد باشد (شایگان، ۱۳۸۰، ص ۶-۷).

۹- حاکمیت دولتها در برابر اقدامات شورای امنیت

بر اساس اصل حاکمیت، هر دولت دارای صلاحیت داخلی و استقلال است و در چارچوب اصل تساوی حاکمیت دولتها، تمامی کشورها از حقوق و تکالیف برابر در روابط بین‌المللی برخوردارند. در مورد شورای امنیت، این شورا مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد و اقدامات خود را در قالب فصل ششم (حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات) و فصل هفتم (اقدام در موارد تهدید علیه صلح، نقض صلح و تجاوز) انجام می دهد. همچنین، باید اشاره کرد که در عمل، طبق فصل هفتم، محدودیتی برای صلاحیت شورای امنیت وجود ندارد. (ممتاز، ۱۳۸۷، ص ۲۸)

۹-۱- طرح تعارض اصل حاکمیت و عملکرد شورا

عملکرد شورا بر اساس تفسیر موسع صلاحیت آن در شکل ابتکارات و اعمال خلاف حقوق بین‌الملل آن شورا، شامل تعارض اصل حاکمیت و عملکرد شورا است.

۹-۱-۱- صلاحیت داخلی و عملکرد شورای امنیت

قبل از هر چیز باید توجه داشت که بند ۷ ماده ۲ منشور همانگونه که قبلاً نیز گفته ایم اشعار می دارد: «هیچیک از مقررات مندرج در این منشور ملل متحد را مجاز نمیداند در اموری که ذاتاً جزو صلاحیت داخلی هر کشوری است دخالت نماید و اعضاء را نیز ملزم نمی کند که چنین موضوعاتی را تابع قرار دهند لیکن این اصل با اعمال اقدامات قهری پیش بینی شده در فصل هفتم لطمه وارد نخواهد آورد». با وجود این بند نمی توان در برابر اقدامات قهری پیش بینی شده در فصل هفتم منشور ملل متحد به صلاحیت داخلی استناد کرد ولی تعارض پدید آمده از آنجاست که شورای امنیت اقداماتی را انجام داده است که در فصل هفتم پیش بینی نشده و شکل

شورای امنیت با محدودیتهایی جدی مواجه است و همانگونه که گفته ایم محدودیتهایی چون عدالت و حقوق بین‌الملل و یا مقاصد و اصول ملل متحد با توجه به روح منشور ملل متحد معطوف به اهداف عملکرد شورا است نه حاکم بر جزئیات اقدامات آن و در این زمینه نیز مرجعی برای تشخیص این قضیه تعیین نشده و عملاً شورا خود تفسیر صلاحیت خویش را برعهده گرفته است. بعلاوه اینکه برداشت قانون اساسی گونه از منشور ملل متحد و همچنین تمکین دولتهای، عضو چنین استدلالی را مبتنی بر مشروعیت اقدامات شورای امنیت تقویت می‌کنند. (کلود آلبر کلیبار، ۱۳۷۱، ص ۱۸۱)

ماده ۲۳ منشور ملل متحد، پنج کشور را عضو دائمی شورای امنیت شناخته و بر آنها در مسائل ماهوی، امتیازات خاصی قائل شده است مطابق این ماده کشورهای مزبور چین، ایالات متحده آمریکا، فرانسه، بریتانیای کبیر و اتحاد جماهیر شوروی می باشند که بعد از فروپاشی شوروی فدراسیون روسیه جانشین این کشور گردیده است (کلود آلبر کلیبار، ۱۳۷۱، ص ۱۸۱) دولتهای نامبرده دارای حق وتو می‌باشند و با توسل به حق مزبور برای هر کدام از آنها، امکان فلج کردن تصمیمات شورای امنیت که بنام کلیه اعضای عضو سازمان ملل متحد عمل می‌کند با ابراز نظر مخالف وجود دارد. بعبارت ساده تر با وجود چنین حقی اراده یک عضو دائم شورای امنیت به تنهایی در مواردی بر اراده کلیه دولتهای جهان برتری می‌یابد (ارسنجانی، ۱۳۴۸، ص ۳۰۸)

۱۰- چالش‌های پیش روی مشروعیت شورای امنیت

مفاهیم مشروعیت (به معنای مقبولیت عامه) و عدم مشروعیت گرچه ناسازگار و در مواردی مانع‌الجمع می‌باشند لیکن نظر به وجود طیف گسترده و ممتد بین دو قطب مشروعیت و عدم مشروعیت این دو مفهوم دارای معانی نسبی می‌باشند. به عنوان مثال هر سازمانی به منظور تحقق اهداف مشخصی تأسیس و در این راستا اختیاراتی نیز به آن تفویض می‌شود، لیکن در صورتیکه سازمانی برای مدت مدیدی نتواند به نحو مقتضی به مسئولیت محول عمل کند، مقبولیت یعنی مشروعیت اقدامات خود را از دست خواهد داد و یا چنانچه همان سازمان در جهت تحقق اهداف مقرر در صدد برآید بیش

سازی می‌باشد در این قسمت موضوع بحث تعارض این بعد از حاکمیت با اقدامات شورا بر اساس تفسیر موسع صلاحیت آنست.

۹-۲-۱- نوآوریهای شورا

بنظر میرسد بر آزادی تصمیم‌گیری دولت و استقلال اراده آن در رفتار بین‌المللی محدودیتهایی ایجاد مینماید اقدامات شورا در این زمینه بیشتر معطوف به بحران بوسنی و هرزگوین بوده است.

۹-۲-۲- نقض حقوق بین‌الملل توسط شورا

یکی از موارد نقض حقوق بین‌الملل توسط شورای امنیت، نقض اصل آزادی اراده در پذیرش تعهدات بوده است. این اقدام شورا بطور بسیار بارزی اصل استقلال دولتها را زیر سوال برده و پذیرش تعهداتی را برای دولتها تحمیل می‌کند این ادعا با مرور بخشی از قطعنامه شماره ۱۶۸۷ (U. N Security Council Resolution. 687 (1991). 3, Apr, 1991) آن شورا در خصوص ملزم نمودن دولت عراق به پذیرش عضویت کنوانسیون منع تکثیر سلاحهای میکروبی و بیولوژیک به اثبات خواهد رسید. نقض قاعده تصرف اموال اتباع دولت متخاصم توسط دولت فاتح نیز از جمله مواردی است که مغایر با اصل استقلال اراده دولت در جامعه بین‌المللی است.

۹-۳- ارزش حقوقی تعارض اصل تساوی حاکمیت و اقدامات شورا

برای اثبات امر تساوی حاکمیت نیز استثنائی بر صلاحیت نامحدود شورای امنیت نیست کافی بنظر می‌آید و به این ترتیب نقض اصل تساوی حاکمیت و تعارض پدید آمده مشروعیت اقدامات شورای امنیت را خدشه دار نخواهد کرد. چرا که نیازی به تکرار همه آنچه گفته ایم نیست، ساختار منشور ملل متحد بگونه ایست که مانعی جدی در برابر شورای امنیت ایجاد نمی‌کند بدین ترتیب که نه مرجعی برای ارزیابی اقدامات شورا و تفسیر صلاحیت آن پیش بینی شده و نه از اوضاع و احوال حاکم بر مذاکرات سانفرانسیسکو بر می‌آید که

تأثیر منفی دارند. اصولاً برخورداری از امتیاز وتو نشانگر قدرتمند بودن است که فرد و یا سازمان و یا کشور صاحب قدرت به منظور اقدام یکجانبه جهت ممانعت از پدیدار شدن نتایج ناخواسته بدان متوسل میشود حق وتو در صورتیکه بر مبنای یک توافق چند جانبه بین المللی پذیرفته شود همانند منشور ملل متحد توسل بدان در محدوده کشورهایی که آنرا پذیرفته باشند، مانند اعضاء سازمان ملل، مشروعیت کسب می کند ولو اینکه این مقبولیت با اکراه همراه باشد، لیکن تأثیرات منفی این اکراه میتواند به تدریج و در بلند مدت و به خصوص با تغییر کیفی شرائط جهانی به منصف ظهور برسند. یکی از دلایل قائل شدن امتیاز وتو برای اعضاء دائم شورای امنیت، علاوه بر مطالبی که در مقدمه این مطالعه ذکر گردیده اینست که بدون مشارکت اعضاء قدرتمند شورای امنیت حل مشکلات بین المللی بسیار دشوار خواهد بود و در گذشته نیز هرگاه همکاری لازم بین اعضاء دائم شورا در مورد حفظ صلح و امنیت بین المللی برقرار نبوده، شورا نتوانسته است در این باره اقدام مؤثری انجام دهد. معهذا واقعیت اینست که در مواردی نیز که قدرتهای بزرگ با یکدیگر همکاری لازم را معمول داشته اند دول صاحب حق وتو نوعی الیگارش در شورای امنیت به وجود آورده اند که بدون توجه کافی به مصالح سایر ملل متحد و با همکاری گروهی از هم پیمانان خود و یا بدون آن در جهت منافع و مقاصد خود عمل نموده اند. (بهفر، ۱۳۹۶، ص ۴۵)

۱۲- پیامدهای منفی غیر مشروع بودن برخی تصمیمات و یا اقدامات شورای امنیت

در مورد تأثیر منفی برداشتهایی که مشروعیت اقدامات جمعی شورای امنیت را زیر سؤال می برند، مقدماً می باید توجه داشت دولتی که در مواردی چنین برخوردی با شورا در پیش می گیرد، از چه موقعیت و اعتبار بین المللی برخوردار است و موضع آن تا چه حدی بر سایر دول می تواند اثر بخش باشد و در ثانی دولی که بر عدم مشروعیت برخی از اقدامات شورا باور دارند با کدام جرگه و یا طیف بندیهای سیاسی و بین المللی مرتبط می باشند و در مجموع دارای چه امکاناتی می باشند؟ در هر حال تصور و با برداشت غیر مشروع بودن برخی تصمیمات و یا اقدامات شورای امنیت به نسبت

از حد مورد نیاز اقتدار گرایانه رفتار کند و شدت عمل آن به سوء استفاده از اختیارات محول منجر گردد، بار دیگر عملکرد سازمان مزبور و در نتیجه مشروعیت اقدامات آن زیر سؤال خواهد رفت. مضافاً در موقعیتی یک سیستم و یا سازمان سیاسی توأماً عناصری از مشروعیت و عدم مشروعیت را با نسبتهای متفاوت در بطن خود دارد و با توجه به نسبت برتر هر یک باورهای مشروع و غیر مشروع در مورد اقدامات آن از کفه سنگین تری برخوردار می شود. مشروعیت قطع نظر از ابعاد ایدئولوژیکی آن به معنی توان "نظام سیاسی در ایجاد و حفظ این باور در میان مردم است که نظام موجود مناسبترین ساختار سیاسی برای جامعه می باشد". (Lipsel, S.M., 1959, p77)

اینکه حداقل میتوان گفت مشروعیت عبارت است از این اعتقاد که علیرغم برخی نارسائی ها و ناکامی ها، نهادهای سیاسی موجود از تأسیسهایی همانندی که ممکن است بر اثر تحول بنیان نهاده شوند، برای جامعه مناسبتر بوده و لذا تبعیت از آن اقدام بر حق و با درستی می باشد. (Linz, Juan, 1988, p65) ایستن ضمن آنکه به طور کلی مشروعیت را حمایت گسترده از یک رژیم توصیف می کند، در تحلیل سیستمی مشروعیت یک نظام، سیاسی در رابطه بین درونداها و بیرونداهای یک سیستم، حداقل وجود سه مجموعه ای از عوامل و متغیرها را به شرح زیر ضروری می داند که در تعاریف فوق نیز به آن اشاره شد (۱) کارآمد بودن نظام (۲) محیط سیستم از فرهنگ سیاسی ای برخوردار باشد که ظرفیت تحمل داشته باشد و ارزشهای آن عکس عملهای متین و حساب شده سیاسی و اجتماعی را بیش از پرخاشگری ارج گذارد و (۳) اعضاء جامعه مربوط نظام اجتماعی و سیاسی را ولو اینکه دارای انتظام و قوام سستی باشد بر بی نظمی ارجح دارند. (Eston, David, 1965, p. 278-288)

۱۱- تأثیر ساختار و عملکرد اعضاء شورای امنیت بر مشروعیت اقدامات آن

به طور کلی دو عامل ساختاری و امکانات نابرابر اعضاء دائم شورای امنیت، یعنی حق وتو و تفوق و تسلط آنان بر شورا، مهمترین عواملی هستند که بر مشروعیت شورای امنیت

ملی و بین‌المللی است که این امر به معنای تعریف و ایجاد نظم عمومی است و در این ارتباط حقوق قواعدی را مقرر میدارد تا مقاصد و رفتار سیاسی در شکل و محتوا به صورت واقعیت قانونمندی تبلور یابد بنابراین تصمیم سیاسی مقدم بر تصمیمات و احکام حقوقی و احکام حقوقی مشتمل بر تصمیم سیاسی می‌باشند. مضافاً بر طبق واقعیت عینی، سیاست، قدرت عاملی است که کلیه ملاحظات ملی و بین‌المللی را تحت تأثیر قرار میدهد و حیطه حقوق بین‌الملل نیز به وسیله قدرت و مصالح ملی بازیگران عمده بین‌المللی تحدید می‌شود فلذا "حقوق بین‌الملل باید زندگی بین‌المللی ای را منعکس کند که در آن متولد شده است در غیر این صورت اعتباری نخواهد داشت. با عنایت به مطالب فوق و قطع نظر از نظام معیاری بازیگران ملی و یا تحلیلگران سیاسی و یا آرمانگرایی صاحب‌نظران انسانگرا (اومانیزست)، بحث تحکیم مشروعیت و ضمانت اجراء اقدامات شورای امنیت منطقاً می‌باید بر اساس واقعیات نظام بین‌الملل معاصر مورد طرح و بررسی قرار گیرند به این معنی که آرمانگرایی می‌تواند بخشی از محتوا و تا حدودی راهنمای اخلاقی و واقعگرایی قسمت عمده محتوا و صورت و قالب اندیشه مورد بحث را تشکیل دهند. (ورنر لوی، ۱۳۷۴، ص ۱۲)

۱۳-۱- اصلاح منشور در ارتباط با مسأله وتو

وتو یکی از مشخصه‌های قدرت می‌باشد که عبارت است از توانائی یکجانبه ممانعت از شکل گرفتن و یا وقوع نتایج نامطلوب توسط یک کشور، گرچه این اقدام ممکن است توأم با تشریک مساعی چند جانبه انجام شود بنابراین وتو نمودی است از توانمندی یک دولت در صحنه بین‌المللی و چنانچه این امر از طریق توافق و یا کنوانسیون بین‌المللی از مقبولیت عامه و یا اکثریت بازیگران ملی برخوردار شود در آن صورت وتو نه تنها نمودی از قدرت، بلکه نشانی از اقتدار و سلطه نیز خواهد بود و بدین لحاظ است که در نظام بین‌الملل بعد از جنگ سرد گفته می‌شود سه عضو دائم و غربی شورای امنیت عملاً یک الیگارش در سازمان ملل متحد تشکیل داده اند که در رأس آن دولت آمریکا قرار دارد.

گسترده‌گی و شدت آن دارای پیامدهای منفی مذکور در زیر خواهد بود:

الف- عدم تمایل و حمایت کافی در میان اعضاء شورا جهت تصویب قطعنامه

ب- خودداری اعضاء از تصویب قطعنامه با اکثریت قاطع که در این صورت به دلیل عدم همکاری مؤثر با قطعنامه احتمال دارد قطعنامه عملاً مورد عنایت چندانی قرار نگیرد،

ج- جلب حمایت اعضاء شورا از قطعنامه‌های پیشنهادی به دشواری انجام خواهد پذیرفت.

د- اعضاء شورا عموماً و یا به طور غیر عمد به عدم همکاری با شورا گرایش پیدا می‌کنند که نهایتاً به عدم تحرک و تضعیف هرچه بیشتر شورای امنیت منتج می‌شود.

ه- دول ملی قادر نخواهند بود در داخله به جلب حمایت مؤثر مردم خود از قطعنامه اقدام کنند.

و- در صورتی که اعضاء شورای امنیت به دلیل احتمال توسل کشورهای دارای حق وتو به وتوی معکوس از بابت تأثیر قطعنامه و ممانعت اعضاء دائم شورا با انطباق قطعنامه با شرائط متعاقب نگران باشند ممکن است ترجیح دهند در موارد مطروحه اصولاً از اتخاذ هر نوع تصمیمی پرهیز کنند که این امر به نوبه خود باعث عدم تحرک بیشتر شورا شده و بحران مشروعیت آنرا به دلیل عدم کارائی بیشتر خواهد نمود. (بهفر، ۱۳۹۶، ص ۶۰)

۱۳- راه‌های حل چالش‌های مشروعیت اقدامات شورای امنیت

مباحثات و پیشنهادات راجع به طرق تحکیم مشروعیت اقدامات شورای امنیت ملل متحد مشتمل بر ابعاد سیاسی و حقوقی، است، لیکن میباید در نظر داشت قواعد و احکام حقوقی به خودی خود شکل نمیگیرند بلکه منشاء آنها در تصمیمات سیاسی است و بدون تصمیم سیاسی، اولیه قاعده حقوقی فاقد محتوا و ضمانت اجراء خواهد بود. اصولاً وظیفه (فونکسیون) سیاست تخصیص آمرانه و با حداقل کوشش جدی در جهت تخصیص آمرانه ارزشها و امکانات در نظامهای

عدم مشروعیت اقدامات شورا بشود قبلاً در دهه شصت بدین منظور و برخی ملاحظات دیگر اعضاء غیر دائم شورای امنیت را از ۶ به ۱۰ عضو افزایش داده اند که در این میان علاوه بر بسط دامنه، نمایندگی دو نکته دیگر نیز مد نظر بود نخست آنکه اعضاء غیر دائم نیز مجموعاً بتوانند از حق وتو برخوردار شوند که سابقه امر در ۳۰ سال اخیر غیر واقع بینانه بودن این مطلب را محرز نموده است زیرا برای استفاده از چنین وتویی حداقل ۸ عضو از ۱۰ عضو دائم میباید دارای وحدت نظر باشند که تحقق این امر با توجه به تشتت آراء و نظرات و گرایشات اعضاء غیر دائم بعید است. در ثانی موضوع گردش ریاست ادواری شورای امنیت بین اعضاء آن که باعث می شود ریاست شورا به مدت بیشتر در دست اعضاء غیر دائم باشد نیز امر تعیین کننده ای نمی تواند باشد، زیرا در هر صورت اعضاء دائم و بخصوص سه قدرت، غربی سیاست کلی شورا را رقم می زنند. در هر صورت در بحث راجع به افزایش تعداد اعضاء شورا به دو نکته میباید توجه داشت: ۱- بهبود وضعیت نمایندگی شورا نزد دول متحد و ۲- عدم تقلیل کارائی شورای امنیت. (امین راد، ۱۳۹۳، ص ۵۶)

با توجه به مطالب مطرح شده، پیشنهاداتی برای تقویت مشروعیت شورای امنیت وجود دارد که به شرح زیر هستند:

۱. انتخاب اعضای غیر دائم بر اساس حوزه جغرافیایی یا تمدنی (ولی پور، ۱۳۸۸، ص ۶۹)
۲. افزایش اعضای شورا بدون کاهش کارائی (قلی پور، ۱۳۹۲، ص ۲۳)

پیشنهاد می شود که کشورها به عضویت غیر دائم شورا بر اساس عملکرد مسئولانه خود انتخاب شوند تا در هر دوره از اعضای شورا، کشورها تلاش کنند که سابقه مثبت تری از فعالیت های خود به جای بگذارند و به ارتقاء کارائی شورا کمک کنند. این امر به تحکیم مشروعیت شورای امنیت خواهد انجامید

- ۱۳-۳ تنظیم رابطه نزدیک و دائمی بین شورای امنیت و مجمع عمومی ملل متحد

در این زمینه، توجه به دو نکته مهم ضروری است:

در نیم قرن گذشته علیرغم برخی مخالفتها به خصوص از طرف دول غیر متعهد، مباحثات مربوط به حذف وتو بین واقع گرایان و صاحب نظرانی که معتقد به همکاری های گسترده بین المللی می باشند به دلیل عدم امکان حذف امتیاز تو در شرائط موجود بین المللی به تدریج فروکش نموده است زیرا دارندگان امتیاز وتو در نظر ندارند از امتیاز خود صرف نظر نمایند و از طرف دیگر ماده ۱۰۸ منشور نیز هرگونه تغییر در منشور را منوط به موافقت پنج عضو دائم شورا تعیین نموده است. مضافاً، اصولاً خود امتیاز وتو قابل اصلاح نمی باشد، بدین معنی که یا حق وتو را میبایست قبول داشت و یا آنرا رد نمود توسل به راه حل های حد وسط به دلیل عدم وجود مرجع ناظر و کنترل کننده رفتار دارندگان امتیاز وتو عملی نخواهند بود، همچنانکه در شورای امنیت تمایز بین مسائل مربوط به آئین کار و مسائل ماهوی از طریق امکان وتو مضاعف. (بند ۲ و ۳ ماده ۲۷ منشور)

هر یک از پنج عضو دائم شورای امنیت کم رنگ شده است لذا تا زمانی که در ساختار نظام بین الملل تحولی اساسی واقع نشود، بعید به نظر میرسد بتوان مسأله وتو را رفع نمود. معیناً در شرائط موجود شورای امنیت با دو اقدام اصلاحی میتواند توسل به وتو را تا حدودی محدود کند:

الف- با ارائه تعریف دقیقی ابهام در مرزبندی بین موارد مربوط به آئین "کار" و مسائل "ماهوی" را رفع کند تا مانع از وتوی مضاعف شود،

ب- مشخصات طرف دعوا بودن در بند ۳ ماده ۲۷ را معین کند. (بند ۳ ماده ۲۷)

۱۳-۲ اصلاح منشور در ارتباط با افزایش تعداد اعضاء دائم و غیر دائم شورای امنیت

احتمال بسیار کم حذف امتیاز وتو از منشور بسیاری از دول و صاحب نظران اصلاح طلب را به این اندیشه سوق داده که از طریق افزایش تعداد اعضاء شورای امنیت می توان دامنه نمایندگی آنرا بسط داده و بدینوسیله مشروعیت اقدامات شورا را تحکیم بخشید، لیکن میباید در نظر داشت افزایش اعضاء شورای امنیت به خودی خود نمیتواند رافع مشکلات ناشی از

مطلع باشند. پنهانکاری و جلسات غیررسمی باعث کاهش مشروعیت شورا می‌شود.

همکاری مستمر با مجمع عمومی: شورای امنیت باید به طور مستمر با مجمع عمومی و دفتر رئیس مجمع عمومی در ارتباط باشد و به مصوبات مجمع توجه داشته باشد. این همکاری نباید به معنای تبعیت یکجانبه از مصوبات مجمع باشد، بلکه باید رابطه‌ای سازنده و متقابل میان دو ارگان برقرار شود.

استفاده مناسب از نیروهای نظامی: در صورتی که شورای امنیت نیاز به استفاده از نیروهای نظامی داشته باشد، باید از کشورهای مختلف با توانمندی‌های متفاوت بهره‌برداری کند و از وابستگی به یک یا چند کشور خاص پرهیز کند تا از اعمال نفوذ نامناسب جلوگیری شود.

چندجانبه‌گرایی: مهم‌ترین ویژگی فرآیند دموکراتیک، استفاده از شیوه‌های چندجانبه‌گرایانه است. این شیوه بر مبنای اصول کلی و غیرتبعیض‌آمیز استوار است و باعث می‌شود تصمیمات شورای امنیت به‌طور جمعی و با مقبولیت وسیع اتخاذ شوند. چندجانبه‌گرایی موجب می‌شود که تصمیم‌گیری‌ها با درک واقع‌بینانه از نظام بین‌الملل و منافع مشترک صورت گیرد، که به تقویت مشروعیت نسبی شورا کمک خواهد کرد (ولی پور، ۱۳۸۸، ص ۶۲).

مفهوم مشروعیت در روابط بین‌الملل باید نه بر اساس اصول انتزاعی و کلی، بلکه بر اساس شاخص‌های دقیق و مشخص تعریف شود. مشروعیت نه مفهومی ثابت و ایستا، بلکه فرآیندی و پویا است که به شرایط زمانی و مکانی بستگی دارد. در روابط بین‌الملل هیچ مفهومی مطلق و ثابت وجود ندارد، چرا که تمامی پدیده‌های سیاسی، چه در سطح ملی و چه بین‌المللی، در حال تغییر و تحول هستند. بنابراین، مشروعیت باید به صورت یک فرآیند تبیین شود که در هر زمان و مکان با توجه به شرایط خاص آن دوره تعریف گردد.

در نهایت، بشر معاصر به جز روش‌های مسالمت‌آمیز و دیالوگ، راه دیگری برای حل مسائل ملی و بین‌المللی پیش روی خود ندارد. دوران سیاست‌های جنگی و نظامی پایان

بسط امکانات و دائمی کردن فعالیت دفتر ریاست مجمع عمومی: پیشنهاد می‌شود که دفتر ریاست مجمع عمومی به‌طور دائمی فعال باشد و کمیسیون دائمی از اعضای مجمع عمومی تشکیل شود که وظیفه برقراری ارتباط مستقیم با شورای امنیت را در مواردی که شورا قصد استفاده از فصل هفتم منشور را داشته باشد، بر عهده گیرد. این اقدام به‌منظور ایجاد تفاهم مستمر بین مجمع عمومی و شورای امنیت است تا از این طریق شورا نتواند به‌طور یکجانبه و تحت فشار یک یا چند عضو خود، اقداماتی را علیه سایر اعضای سازمان ملل انجام دهد. تجربیات شورای امنیت در مسائلی چون قضیه رودزیا (زیمبابوه)، جنگ اعراب و اسرائیل، جنگ عراق و ایران، حمله عراق به کویت، قضیه لاکربی، جنگ بوسنی، و مداخلات بشردوستانه در سومالی و رواندا اهمیت این موضوع را نشان می‌دهند.

تعریف و تبیین دقیق تهدید علیه صلح: شورای امنیت باید تعریفی روشن و جامع از تهدید علیه صلح، که در ماده ۳۹ منشور آمده است، ارائه دهد تا آزادی عمل اعضای دائم شورا در تفسیر این ماده به حداقل برسد. در خصوص مفاهیم "نقض صلح" و "تجاوز"، قطعنامه شماره ۳۳۱۴ مجمع عمومی چارچوب مناسبی را فراهم کرده است که باید مورد استناد شورای امنیت قرار گیرد. (قطعنامه شماره ۳۳۱۴ مجمع عمومی).

۱۳-۴- تنظیم مقرراتی به منظور تضمین رویه و ایجاد نظام باز اتخاذ تصمیم در شورای امنیت

مهمترین عامل در تحکیم مشروعیت اقدامات شورای امنیت، اتخاذ فرآیند تصمیم‌گیری باز و دموکراتیک است. این فرآیند به معنای برخورد دموکراتیک شورای امنیت با انجام وظایف محول شده و پاسخگویی به نگرانی‌های کشورهای کمتر توسعه‌یافته است. برای ایجاد یک فرآیند تصمیم‌گیری باز، باید به چهار شاخص کلیدی توجه کرد:

جلسات رسمی و شفاف: تمامی مذاکرات و تصمیمات اصلی شورای امنیت باید در جلسات رسمی و شفاف برگزار شوند، به‌گونه‌ای که همه اعضای شورا از روند تصمیم‌گیری

یافته است و جامعه جهانی، به ویژه شورای امنیت ملل متحد، باید از طریق تبادل نظر و گفتگو، به درک و بینشی مشترک و همگرا دست یابد. (ولی پور، ۱۳۸۸، ص ۶۳)

۱۴- پیامدهای اصلاحی شورای امنیت در افزایش مشروعیت آن

تحول در ساختار نظام بین‌الملل باعث تغییرات بنیادینی شده که تأثیرات آن به شورای امنیت ملل متحد نیز رسیده است. با برهم خوردن توزیع قدرت و تعادل در شورا، بسیاری از مکانیزم‌های قبلی بازدارنده یا متعادل‌کننده دیگر کارایی ندارند. این تغییرات همزمان با پایان تقابل ایدئولوژیک بلوک‌های رقابتی و گسترش نفوذ غرب، به ویژه آمریکا، در سطح جهانی، موجب افزایش فعالیت سازمان ملل و شورای امنیت شد. در عین حال، بسیاری از کشورهای کمتر توسعه‌یافته از مزایای رقابت دو بلوک جهانی محروم شدند و به تدریج به بازسازی داخلی و توسعه ملی روی آوردند. در این شرایط، نظام بین‌الملل معاصر شاهد تقویت منافع ملی کشورهای پیشرفته و کمتر توسعه‌یافته و همزمان گسترش روند جهانی‌شدن اقتصادی و اندیشه بشری است. این تغییرات نمایانگر تنوع و هم‌زمانی در یگانگی سیستم جهانی است. (علی‌نژاد اصل و همکاران، ۱۳۹۸، صص ۵۲-۲۷)

عوامل ساختاری زیر باعث تضعیف مشروعیت شورای امنیت شده‌اند:

۱. ابهام در مواد منشور، به ویژه تعریف "تهدید به صلح".
۲. محدودیت دامنه نمایندگی شورا به دلیل عدم کارآمدی توزیع عضویت.
۳. عدم رابطه کاری مستمر بین شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل.
۴. نحوه رفتار اعضای دائم شورا، به ویژه آمریکا، پس از پایان جنگ سرد.
۵. برای افزایش مشروعیت شورا، اقدامات زیر پیشنهاد شده است:
۶. رعایت عملی منشور ملل متحد و رفع ابهام از مواد منشور.

۷. تشکیل رابطه دائمی بین شورای امنیت و مجمع عمومی از طریق دفتر رئیس مجمع.
۸. افزایش نمایندگی شورا با اضافه کردن اعضای غیر دائم و توزیع عادلانه‌تر کرسی‌ها.
۹. توسل به چندجانبه‌گرایی و اتخاذ سیستم‌های باز تصمیم‌گیری برای رفع معیارهای دوگانه و افزایش وحدت نظر در تأمین صلح.

در نتیجه مشروعیت شورا باید با کارایی و ضمانت اجرای تصمیمات مرتبط باشد و تمامی این متغیرها در یک تحلیل سیستمی و با توجه به شرایط زمانی و مکانی بررسی شوند (حجازی، ۱۳۹۹، صص ۴۶-۹). (حجازی، ۱۳۹۹، صص ۴۶-۹)

نتیجه‌گیری

شورای امنیت سازمان ملل متحد تنها مرجع مسئول حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است و بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد، صلاحیت استفاده از زور یا تفویض آن به کشورهای دیگر را دارد. با این حال، نظارت بر عملکرد شورای امنیت با وجود ابزارهای حقوقی موجود عملاً مؤثر نبوده و تنها نظارت قضایی از طریق دیوان بین‌المللی دادگستری امکان‌پذیر است. دیوان در آرای خود به رعایت اصول حقوق بین‌الملل و حقوق بشر تأکید دارد، اما از آنجا که اکثر آرای دیوان مشورتی و غیر الزام‌آور هستند، تأثیر حقوقی آن‌ها بر تصمیمات شورای امنیت محدود است.

برخی حقوقدانان معتقدند که نظارت بیرونی بر شورای امنیت می‌تواند از طریق سایر ارکان سازمان ملل مانند مجمع عمومی یا کمیته تحریم‌ها صورت گیرد، اما این نظارت نیز بیشتر جنبه سیاسی دارد و الزامی نیست. منشور ملل متحد خود به دلیل عدم تعریف دقیق اصطلاح "تهدید علیه صلح" و عدم تعیین مرجع تفسیر صلاحیت شورای امنیت، زمینه را برای تفسیر موسع صلاحیت شورا فراهم کرده است. در این راستا، تعارضات میان حاکمیت دولتها و اقدامات شورای امنیت به نفع شورا حل خواهد شد.

نظریه قانون اساسی منشور ملل متحد نیز به تفسیر موسع از منشور تأکید دارد و در صورت بروز تعارض میان حاکمیت دولتها و شورای امنیت، تفسیرهایی که به نفع

منابع

الف- کتاب‌ها

۱. ارسنجانی، حسن، (۱۳۴۸)، حاکمیت دولتها تهران شرکت سهامی کتابهای جیبی.

۲. پوربافرانی، حسن (۱۳۹۴)، حقوق جزای بین‌الملل، تهران، نشر جنگل.

۳. شایگان، فریده، (۱۳۷۲)، عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

۴. شریفی طراز کوهی، حسین، (۱۳۹۲)، «زمینه‌ها، ابعاد و آثار حقوق شهروندی»، تهران، بنیاد حقوقی میزان.

۵. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۵)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، نشر گنج دانش.

۶. ضیایی بیگدلی، محمدرضا و همکاران، (۱۳۸۸)، «آراء و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری»، ۱۳۸۸، ج اول، چ اول، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی

۷. مقتدر، هوشنگ، (۱۳۷۲)، حقوق بین‌الملل عمومی تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۸. ممتاز، جمشید (۱۳۷۷)، دیوان بین‌المللی کیفری محاکمه متهمین تخلفات عمده حقوق بشردوستانه در سرزمین یوگسلاوی سابق، تهران، نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۹. میرعباسی، سید باقر و میرعباسی، سیده فرناز (۱۳۹۴)، نظام جهانی ارزیابی و حمایت از حقوق بشر، جلد دوم، تهران، نشر جنگل.

۱۰. نیایی، جعفر، (۱۳۵۴)، حقوق سازمانهای بین‌المللی تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.

۱۱. ورنر لری، (۱۳۷۴)، حقوق بین‌الملل و سیاست، ترجمه صالح رضائی روزنامه اطلاعات شماره ۲۰۷۲۹، مورخ ۷۴/۱۲/۲۷ ب- مقالات

۱. اسدزاده، مهران ؛ نژندی‌منش، هیبت‌الله (۱۳۹۵)، «ظهور طرحی نو دکترین مسئولیت برای حمایت»، نشریه پژوهش ملل، شماره ۹.

۲. افتخارچهرمی، گودرز؛ حاجبانی، علی، (۱۳۹۶)، عملکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد در بوته نقد و ترازوی نظارت عینی، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۶۵ بهار تابستان ۹۶، صفحات ۳۷-۵۸

۳. تیرری، هوبر، (۱۳۷۳)، برنامه برای صلح و منشور ملل متحد، ترجمه دکتر ابراهیم بیگ زاده، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۱۴-۱۳ از پائیز ۷۲ تا تابستان ۷۳

کارآیی سازمان ملل باشد، پذیرفته می‌شود. با این حال، نظارت بر عملکرد شورای امنیت در عمل با چالش‌هایی مواجه است. برخی از حقوقدانان پیشنهاد می‌کنند که کشورهای عضو سازمان ملل متحد می‌توانند در مجمع عمومی قطعنامه‌هایی تصویب کنند که به صورت سیاسی در برابر اقدامات شورای امنیت ایستادگی کنند، هرچند که این قطعنامه‌ها الزام‌آور نبوده و ممکن است مخالف منشور باشند.

پس از پایان جنگ سرد، با تغییرات در ساختار شورای امنیت و افزایش اقدامات بحث‌برانگیز آن، نیاز به مکانیزم‌های نظارتی بیشتر احساس شده است. با وجود این، در مواردی که نظارت حقوقی مؤثر وجود نداشته باشد، ممکن است قدرت‌های بزرگ از قوانین به نفع خود سوء استفاده کنند. بنابراین، لازم است که شورای امنیت در تصمیمات خود از اصول منشور و حقوق بین‌الملل تبعیت کرده و فرآیند تصمیم‌گیری در آن بیشتر شفاف و ضابطه‌مند باشد.

این تحلیل نشان می‌دهد که چالش‌های مشروعیت شورای امنیت بیشتر ناشی از تفسیر موسع صلاحیت شورا و فقدان نظارت مؤثر و شفاف است که موجب نگرانی‌های جدی در زمینه رعایت حقوق بین‌الملل و حاکمیت دولتها می‌شود.

منابع و مأخذ

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.

از آقای دکتر عبدالله عزیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

۵. قلی‌پور، غلامرضا (۱۳۹۲). نقش شورای امنیت در اجرای عدالت کیفری بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.

۶. ولی‌پور، ابراهیم (۱۳۸۸). نقش شورای امنیت در توسعه ساز و کارهای مبارزه با تروریسم بین‌المللی (با تاکید بر روند آن پس از یازده سپتامبر)، کارشناسی ارشد، استاد راهنما: همایون حبیبی استاد مشاور: حسین شریفی طرازکوهی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی

منابع لاتین:

1. Boutros-Ghali Boutros: an agenda for peace, New York, United Nations department of public information (DPI/1247), 1992.
2. Bowett, D. W. "The Inter relation of Theories of Intervention and Self-Defence in Law and Civil War in the Modern World", edited by J.N. Moor, (6848).
3. Brownlie, I. "International Law and the Use of Force by States", oxford. (6811)
4. Caron, David C.: "The Legitimacy of The Collective Authority of The Security Council, American Journal of International Law (AJIL) Vol 87, no 4 (Oct 93).
5. International Commission on Intervention and State Sovereignty. The Responsibility to Protect: Report of the International Commission on Intervention and State Sovereignty. (0112). Ottawa
6. Reisman Michael: "The Constitutional Crisis In The United Nations". AJIL Vol 87, no. 1 (Jan 1993).
7. Report of the High-Level Panel on Threats, Challenges and Change. (0111), A more Secure World: Our Shared Responsibility, New York: United Nations Publications. A/580565, 0 December, 0111.
8. Situation of Human Rights in the Libyan Arab Jamahiriya, A/HRC/RES/S-
9. United Nations, Secretary-General, "An Agenda for Peace-Keeping", United Nations, New York June 2880.
10. United Nations, Secretary-General, Implementing the Responsibility to protect, Report of the United Nations Secretary-General, 20 Janury 0118, UN, Doc. A/630677.
11. World Summit Outcome, A/RES/6102, 01 October 0115, Paras. 239-238; The Responsibility to Protect, Report of the International Commission on Intervention and States Sovereignty, December 0112.

۴. حجازی، سید امرالدین ؛ صلح چی، محمد علی (۱۳۹۹)، شورای امنیت سازمان ملل متحد و تاثیر آن در ایجاد امنیت و عدالت کیفری بین‌المللی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۹، شماره ۳۳، دی ۹۹، صفحه ۹-۴۶
۵. علایی، حسین (۱۳۹۱)، «نقش شورای امنیت سازمان ملل در فروپاشی نظام قذافی»، نشریه راهبرد، شماره ۶۳، ص ۱۳۹-۱۱۳.
۶. علی‌نژاد اصل، محمد و آرش‌پور، علیرضا (۱۳۹۸). «ارزیابی اجرای دکترین مسئولیت حمایت در بحران یمن»، نشریه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۴، ص ۵۲-۲۷.
۷. فلسفی، هدایت الله (۱۳۶۹)، شورای امنیت و صلح جهانی، مجله تحقیقات حقوقی، تهران، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی شماره ۸، پائیز و زمستان ۶۹
۸. ممتاز، جمشید (۱۳۷۹)، «مداخله بشر دوستانه نانو در کوزوو و اصل عدم توسل به زور»، زمستان ۱۳۷۹، ترجمه مرتضی مختاری امین، مجله سیاست خارجی، ش ۱۴، ص ۱۴.
۹. میرمحمدصادقی، حسین ؛ رحیمی، علی (۱۳۹۷). «دلایل و مبانی حقوقی تأسیس دادگاه‌های کیفری مختلط (بین‌المللی شده) از منظر داخلی و بین‌المللی»، نشریه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲۵.

ج) اسناد و سایر منابع

۱. رضوی محمد تقریرات درس تاریخ اندیشه سیاسی در غرب تهران دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران نیمسال دوم سال تحصیلی ۷۱-۷۰
۲. کنوانسیون وین ۱۹۶۹ در باب حقوق معاهدات
۳. ممتاز، جمشید (۱۳۷۴)، تقریرات درس بررسی تفصیلی برخی از مسائل حقوق بین‌الملل عمومی تهران دوره کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نیمسال اول ۷۴-۷۳
۴. منشور ملل متحد و اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری انتشارات اداره اطلاعات سازمان ملل متحد در ایران

د- پایان‌نامه‌ها

۱. امین‌راد، ژاله (۱۳۹۳)، مشروعیت مداخله بشردوستانه در لیبی از منظر حقوق بین‌الملل، کارشناسی ارشد، موضوع: علوم سیاسی، استاد راهنما: دیدخت صادقی حقیقی استاد مشاور: بیژن نیری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم سیاسی
۲. توماس‌زاده، رونالد (۱۳۷۵)، تحلیل سیستمی رابطه ساختار و عملکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد با مشروعیت و کارایی اقدامات آن، کارشناسی ارشد، استاد راهنما: هوشنگ مقتدر، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی
۴. قریشی، فردین (۱۳۷۴)، حاکمیت دولت‌ها و مشروعیت اقدامات شورای امنیت، کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی